Journal of Fiqh and Usul
Vol. 52, No. 4, Issue 123
Winter 2021
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v52i4.80361

سال پنجاه و دوم، شماره ۴، شمارهٔ پیاپی ۱۲۳
زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۲۳-۱۰۹

مبانی و دلایل الحاق مشاهد مشرّفه به حرم در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم *

دکترسلمان علیان لله مرزی
دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: salman.aliyan@yahoo.com
دکتر محمدصادق علمی[1]
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: sadegh.elmi37@gmail.com
دکتر محمدحسن حائری
استاد دانشگاه فردوسی مشهد
Email: haeri-m@um.ac.ir

چکیده

این نوشتار نگارندگان در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا از دیدگاه فقیهان امامی، مشاهد مشرّفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم، به حرم مکّی ملحق می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال در خصوص تغلیظ دیه، برخی از فقیهان، الحاق را پذیرفته و برخی دیگر رد کرده‌اند، اما در مورد تأخیر اجرای حکم، فقیهان سه دسته شده‌اند: دسته‌ای الحاق را نفی کرده؛ دستهٔ دیگر دچار تردید شده و دستهٔ سوم آن را پذیرفته‌اند.

یافته‌های مقالهٔ حاضر نشان می‌دهد که مشاهد مشرّفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم تأثیرگذارند؛ چراکه غالب فقیهان دلیل این الحاق را احترام به مشاهد مشرّفه ذکر کرده‌اند. یادکردنی است در تأخیر مجازات، علاوه بر وجوب حفظ حرمت این اماکن، روایات وارده، اصل احتیاط و احادیث مربوط به درء حد نیزتقویت کننده دیدگاه الحاق است.

کلیدواژه‌ها: حرم، مشاهد مشرّفه، تغلیظ دیه، تأخیر اجرای حکم.

---

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰
۱ . نویسنده مسئول

The Foundations and Arguments for Attaching the Holy Shrines to Haram in terms of Blood Money Increase and Postponement of Executing the Sentence

Salman Alian Lellah Marzi, Ph.D. Ph.D. Graduate of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic law, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Sadegh Elmi, Ph.D. Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author)

Mohammad Hassan Haeri, Ph.D. Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The present article seeks to answer the question whether from the viewpoint of Imami jurists the holy shrines are attached to Mecca Haram in terms of blood money increase and postponement of executing the sentence. In answering this question, as regards blood money increase, some jurists have accepted the increase and some others have refused it. But as far as postponement of executing the sentence is concerned, jurists are divided into three categories; a group have refused the attachment; a second group have become hesitant and a third group have accepted attachment. The findings of this article show that holy shrines affect blood money increase and postponement of executing the sentence; since most jurists have mentioned respecting the holy shrines as the reason for this attachment. It should be noted that with regard postponement of executing the punishment, in addition to the necessity of respecting these sites, the narrated Hadiths, the principle of precaution and the narrations concerning repellence of Hadd reinforce the attachment opinion.

Keywords: Haram, Holy Shrines, Blood Money Increase, Postponement of Executing the Sentence

۱. مقدمه

قداست و ارزش حرم الهی بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه حرم مکه مهم‌ترین حرم مسلمانان و در قرآن کریم حرم امن خوانده شده است. براین‌اساس، فقیهان امامی معتقدند کسی که در حرم الهی جرم[۱] یا جنایتی[۲] را مرتکب شود، علاوه بر حد به‌دلیل هتک حرمت آنجا مشمول تغلیظ دیه و تعزیر می‌شود؛ مثلاً شیخ مفید ارتکاب زنا در حرم خدا را به‌دلیل هتک حرمت، مشمول تشدید مجازات (حد زنا و تعزیر) و تغلیظ دیه دانسته است (مفید، ۷۸۲).[۳] غالب فقیهان امامی نیز قریب به همین مضمون را در کلامشان آورده‌اند (طوسی، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی ، ۶۹۸؛ ابن‌براج، ۵۲۳/۲؛ ابن‌ادریس، ۴۴۷/۳) یا اگر کسی در حرم خدا مرتکب قتلی شود، کیفر او تغلیظ می‌شود؛ به این بیان وی ملزم به پرداخت یك دیهٔ کامل و یك سوم از هر جنسی از دیات می‌شود (مفید، ۷۴۳؛ طوسی، الخلاف، ۲۲۲/۵-۲۲۳؛ ابن‌ادریس، ۳۲۳/۳؛ عاملی جزینی، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، ٤/ ٤٩٧؛ ابن‌زهره، ۴۱۴؛ دیلمی، ٢٣٦؛ خمینی، ۵۰۲/۲).

فقیهان امامی در خصوص کسی که در خارج از حرم خدا جرم یا جنایتی را مرتکب و سپس به حرم الهی پناهنده شود، اجرای حدود، قصاص، تعزیر را به‌دلیل هتک حرمت حرم، در حرم جایز ندانسته و فتوا به تأخیر و تعویق داده‌اند تا مجرم یا جانی از آنجا خارج شود، اما در مورد کسی که در داخل حرم الهی مرتکب جرم یا جنایتی شود، اکثر آنان به‌دلیل هتک حرمت حرم، قائل به اجرای حکم مجازات آن‌ها در خود حرم شده‌اند (مفید، ۷۸۲-۷۸۳؛ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۱۷/۷؛ حلی، ۴۵۷/۳؛ شهید ثانی، مسالك الأفهام، ۳۸۱/۱۴؛ خویی، ۴۱).

این مقاله در صدد بررسی این ایده است که آیا از دیدگاه فقیهان امامی، مشاهد مشرّفه نیز در تغلیظ دیه و در تأخیر اجرای حکم، به حرم مکه ملحق می‌شوند؟ به تعبیر روشن‌تر، آیا کسی که در مشاهد مشرّفه مرتکب جرم یا جنایتی شود مثل آنچه در حرم الهی گذشت، به‌دلیل هتک حرمت حرم پیامبر(ص) و حرم امامان معصوم(ع) مشمول تغلیظ دیه و تشدید مجازات می‌شود؟ و آیا می‌توان حکم مجازات وی را در آنجا جاری ساخت؟ پاسخ این سؤالات و سایر مسائل مربوط، با استناد به ادله و روایات به‌عنوان یکی از منابع استنباط احکام و قواعد موجود و با ابزار استنادی و کتابخانه‌ای مشخص خواهد شد.

یافته‌های مقالهٔ حاضر نشان می‌دهد که مشاهد مشرّفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم تأثیرگذار هستند. در خصوص پیشینهٔ بحث باید گفت که تحقیق مستقلی دربارهٔ مبانی الحاق مشاهد مشرّفه به حرم

---

۱. یعنی عملی برخلاف شرع (قانون) را مرتکب شد. .مثل سرقت، زنا و امثال آن.
۲. نظیر قتل نفس محترمهٔ یا قطع عضو یا إیجاد جرح و امثال آن.
۳. «و من زنی فی حرم الله و... حد للزنی و عزر لانتهاکه حرمهٔ حرم الله...»

در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم از دیدگاه فقیهان امـامی وجـود نـدارد و تنهـا بـه‌طور محـدود و پراکنـده مطالبی در این زمینه به چشم می‌خورد؛ ازاین‌رو در تحقیق حاضر با روشی توصیفی‌تحلیلی‌اجتهادی به این امر خواهیم پرداخت.

۲. مفاهیم بحث

۱-۲. حرم

حرم مصدر و جایی است که شکستن حرمت آن جایز نیست (شرتونی، ۶۳۳/۱). حـریم کعبـه، حَـرَم نامیده شده؛ زیرا خدای تعالی در آن مکان بیشتر چیزها را تحریم کرده است (راغب اصفهانی، ۲۳۰). بنا بر قول مشهور مراد از حرم، شهر مکه می‌باشد که مساحت تقریبی آن شانزده فرسخ است (حسـینی شـیرازي، ۹۷).

۲-۲. مشاهد مشرّفه

مشاهد جمع مشهد به محل اجتماع و حضور مردم گفته می‌شود (فراهیدی، ۳۹۸/۳).

شهید ثانی مشاهد مشرّفه را به حرم پیامبران و امامان معصوم(ع) نسبت داده است (روض الجنـان فـی شرح ارشاد الاذهان، ۸۵۱/۲). مشکینی می‌گوید: «مشاهد تنها اختصاص به معصوم دارد کـه شـامل حـرم پیامبر(ص) و امامان اهل‌بیت(ع) و مشهد انبیای معصوم مثل حرم ابراهیم خلیل(ع) و سایر انبیا در قدس و قبر آدم و نوح در حـرم علـی(ع) می‌شـود، امـا ایـن واژه شـامل مشـاهد غیـر معصـومان مثـل حـرم سـید عبدالعظیم(ع) در ری و فاطمۀ معصومه(س) در قم و... نمی‌شود» (ر.ک: مشکینی، ۵۲۳-۵۲۵).

۳-۲. تغلیظ (تشدید)

تغلیظ (تشدید) به‌معنای شدت‌دادن و سخت‌گیری است (حمیری، ۴۹۹۶/۸؛ ابن‌منظور، ۴۴۹/۷). از این واژه بیشتر در بحث‌های قضا، حدود و دیات و نیز امر به معروف و نهی از منکر استفاده شده است.

در مجموع، فقیهان در مباحث فوق به دو نوع تغلیظ اشاره کرده‌اند: یکی تغلیظ قولی و دیگـری تغلـیظ عملی و رفتاری. تغلیظ قولی یعنی برخورد تند و خشن در گفتار. شهید اول در بحث مراتب امر به معروف و نهی از منکر به تغلیظ قولی اشاره کرده است (شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ۸۴)، اما تغلیظ عملـی یعنـی برخورد تند و شدید در عمل. برخی از مصادیق تغلیظ عملی عبارت‌اند از: ارتکاب زنـا در مسـجدالحرام و مشاهد مشرّفه و... (ر.ک: صاحب‌جواهر، ۶۴۴/۴۱-۶۴۵-۶۴۷؛ ۲۶/۴۳).

تشدید مجازات در حقوق، به‌معنای افزودن مجازات مقرر در قانون نسبت به جرم معین در مورد مجرم معین به‌علت اوضاع و احوال موجود در مورد جرم آن مجرم است. (جعفری لنگرودی، ٦١٦) اعمال تشدید

مجازات ممکن است به‌صورت افزایش میزان مجازات، افزایش تعداد مجازات، تبدیل به مجـازات شـدیدتر و... باشد (نوروزی فیروز، ۲۹۷).

۳. الحاق مشاهد مشرّفه به حرم الهی در تغلیظ دیه

فقیهان امامی به اتفاق در مسئلهٔ زنا، حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) را ملحق به حرم الهی و ارتکاب زنا در آن مکان‌ها را علاوه بر حد، مشمول تعزیر دانسته‌اند (مفید، ۷۸۲؛[۱] طوسـی، النهایـه فی مجردالفقه والفتاوی، ۶۹۸؛ ابن‌ادریس، ٤٤٧/۳؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ٥٣٤/۳؛ شـهید ثـانی، مسالک الافهام، ٤٠٠/١٤؛ فاضل هندی، ٤٨٩/١٠؛ خمینی، ۴۶۸/۲). در این مسئله علاوه بر هتک حرمت که در بیان شیخ مفید (مفید، ۷۴۳) و دیگران آمده، می‌توان به دلایل فقیهان امامی بدین شـرح اشـاره کـرد: عدم خلاف (طباطبائی، ٤/١٦)،[۲] اعتبـار عقلـی (صـاحب‌جواهر، ٣٧٣/٤١-٣٧٤؛ طباطبـائی، ٥٣٣/١٥؛ مقدس اردبیلی، ٨٣/١٣-٨٤)[۳] و روایت امام علی(ع) دربارهٔ نجاشی شاعر (بروجردی، ۸۷۴/۳۰)[٤] از باب ملاک تجری.

اما در مسئلهٔ قتل، میان فقیهان امامی اختلافِ‌نظر وجود دارد. بعضـی از فقیهـان، حـرم پیـامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) را به حرم الهی ملحـق و وقـوع قتـل در آن مکان‌هـا را مشـمول تغلـیظ و تشـدید دانسته‌اند و بعضی دیگر، چنین الحاقي را فاقد دلیل دانسـته و وقـوع قتـل در حـرم مدینـه و مشـاهد امامان(ع) را مشمول تغلیظ ندانسته‌اند. ازجمله موافقان الحاق، شیخ طوسی در النهایه است. وی وقوع قتل در مشاهد امامان(ع) را مثل حرم الهی مشمول تغلیظ دیه دانسـته و می‌نویسـد: «هـر کـس مرتکب قتل دیگری در حرم شود، در صورت موافقت با اخذ دیه، مشمول پرداخت دیه و ثلث دیه می‌شـود. دیه، به‌خاطر ارتکاب قتل و ثلث دیه، به‌خاطر هتک حرمت» (طوسی، ۷۵۶).[۵] قاضي ابن‌براج در المهذب

---

۱. «و من زنی فی حرم اللّه أو حرم رسوله أو حرم أحد من الأئمّهٔ یوجب التعزیر تغلیظ العقوبهٔ».

۲. «بلاخلاف یظهر» گلپایگانی نیز همین دلیل را در کلامش آورده است. «عدم الخلاف فیه»

۳. «... و یؤیّده الاعتبار» «رعایت حرمت مکان‌های شریف، امر لازم و بدیهی است و عقل آن را معتبر می‌داند و هتک حرمت محترمات را جایز نمی‌داند».

٤. «وَ عَنْ عَلِیٍّ ع أَنَّهُ أُتِیَ بِالنَّجَاشِیِّ الشَّاعِرِ وَ قَدْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَجَلَدَهُ ثَمَانِینَ جَلْدَةً، ثُمَّ حَبَسَهُ، ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ غَدٍ، فَضَرَبَهُ تِسْعَةً وَ ثَلَاثِینَ سَوْطاً، فَقَالَ :مَا هَذِهِ الْعِلَاوَةُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ؟ قَالَ لِتَجَرُّئِکَ عَلَی اللَّهِ وَ إِفْطَارِکَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ »

«نجاشی شاعر در روز ماه رمضان شراب خورده بود و علی(ع) هشتاد تازیانه به او زدند، سپس به دستور حضرت یک شب زندانی شد. فردای آن روز سی‌ونه تازیانه دیگر زد، سؤال کرد: یا امیرالمومنین این اضافه برای چه بود؟ حضرت فرمودند: به‌خاطر جرئت تو در برابر خدا و افطارت در روز ماه رمضان –یعنی بی‌حرمتی به ماه رمضان. در این روایت، تعزیر زائد بر حد، هم بر بی‌حرمتی به ماه مبارک رمضان (جرئت بر شرب خمر) تعلق پیدا کرد و هم بر افطار در آن ماه و بی‌حرمتی قابل تعمیم به محل بحث خواهد بود. درحالی‌که اگر ملاک صرفاً افطار بود، قابل تعمیم نبود.

۵. « و من قتل غیره فی الحرم... و أخذت منه الدّیهٔ، کان علیه دیهٔ و ثلث: دیهٔ للقتل و ثلث الدّیهٔ لانتهاکه حرمهٔ الحرم... و کذلک الحکم فی

(۵۱۵/۲) نیز قریب به همین مضمون را در کلامش آورده است. محقق حلی در نکت النهایه، با ذکر کلمهٔ «حَسَن» نظر شیخ طوسی را نیکو شمرده (۴۰۵/۳)[۱] و صاحب‌جواهر الحاق مذکور را بعید ندانسته و گفته است: «الحاق مرقدهاي منوره در تغلیظ به مکه، بعید نیست». وی سپس در تعلیل این بیان خود می‌گوید: «تغلیظ مذکور (تغلیظ در حرم) به‌خاطر هتك حرمت حرم مکه است که به‌طور قطع، این هتك حرمت در مراقد منوره شدیدتر از حرم مکه وجود دارد»[۲] (۲۹/٤۳). علامه حلی در تحریر می‌نویسد: «دیهٔ نفس به‌وسیلهٔ سه امر، تغلیظ و تشدید می‌شود: وقوع قتل در حرم الهی و حرم رسول خدا(ص) یا یکی از مشاهد امامان(ع)» (۲٦۸/۲).[۳]

ابن‌فهد حلی، سبب تغلیظ دیه را سه امر دانسته است که دلیل سوم این است که جنایت در حرم مکه یا مدینه یا یکی از مشاهد امامان(ع) واقع شود (۴۴۰).[٤]

هرچند واژهٔ قتل در کلام فقیهان امامی شامل اقسام قتل می‌شود اما باتوجه‌به تعلیل موجود (هتک حرمت) در کلام آنان، تنها شامل قتل عمد است؛ چراکه در دیگر اقسام قتل، قاتل قصد هتک حرمت ندارد و واژهٔ جنایت نیز که در فقه به قتل و جرح و ضرب تقسیم می‌شود به همان دلیل فوق شامل جنایت عمدی بوده؛ پس تغلیظ، خاص عمد است.

نکتهٔ قابل ذکر اینکه در ارتکاب جنایت نسبت به اعضا در حرم خدا و نیز در مشاهد تغلیظ ثابت نیست، چنان‌که در کلام فقیهان نیز به آن تصریح شده است (علامه حلی، تحریر الاحکام، ۵٦۲/۵؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ۳٦۰/۱٦).

ازجمله مخالفان الحاق در مسئلهٔ قتل، ابن‌ادریس در سرائر است. وی مسئلهٔ الحاق را رد کرده و می‌گوید: «دلیلي از کتاب، سنت و اجماع بر آن الحاق وجود ندارد» (۳٦۴/۳).[۵]

به نظر صاحب‌ریاض مقتضای اصل، عدم الحاق است (طباطبایی، ۱۸٦/۱٤).

مقدس اردبیلي گفته است: «بر فرض پذیرش تغلیظ در حرم مکه، مدینه و مشاهد مشرّفه را نمي‌توان با آن قیاس کرد» (۲۲۱/۱٤).[٦] سبزواری (۸۷/۲۹) و امام خمینی (۵۵۸/۲) نیز همین نظر را تأیید کرده‌اند.

مشاهد الأئمة علیهم‌السّلام.»

۱. «و أمّا قوله: و كذلک الحکم فی مشاهد الأئمة علیهم السَّلام فشیء ذکره الشیخان، و هو حسن.»

۲. «و لا یبعد إلحاق المراقد المنورة بذلک فی التغلیظ... أن من المعلوم کون التغلیظ المزبور لانتهاک الحرمة التی هی فیها أشد فی الحرم قطعا»

۳. «و یتغلّظ هذه الدّیة بأمور ثلاثة و هی الوقوع فی حرم اللّه تعالی و حرم رسوله أو أحد مشاهد الأئمّة(ع) علی ما أفتی به الشیخ فی النهایة»

٤. الثالث: مکان الجنایة، بأن یقع فی أحد الحرمین، أو أحد مشاهد الأئمة علیهم السّلام»

۵. «إذا جنی فی غیر حرم الإمام الذی هو المشهد، ثم التجأ إلی المشهد، ضیّق علیه فی المطعم و المشرب، بان لا یبایع، لیخرج فیقام علیه الحد، الّا انه إذا قتل فیه و أخذت منه الدّیة وجبت علیه الدیة و ثلث لانه لا دلیل علی ذلک من کتاب أو سنة أو إجماع.»

٦. «هل یوجد التغلیظ فی غیره مثل حرم مکة؟ الظاهر العدم، لعدم الدلیل، و القیاس علی الشهر و کفارة الصید، غیر حجّة، و مع ذلک قال به الشیخان، و هما أعرف. و علی تقدیره لا یقاس علیه المدینة و المشاهد.»

فاضل لنکرانی می‌گوید: «اطلاق حرم تنها به حرم مکهٔ معظمه که احکام خاصی دارد، انصراف داشته نه چیز دیگری مثل صید و بر الحاق حرم مدینه یا مشاهد مشرّفه به حرمِ مکهٔ معظمه دلیلی نداریم؛ بنابراین قتل در آن مکان‌ها مانند قتل در سایر اماکن عادی است» (تفصیل الشریعه/۴۰).

به نظر می‌رسد دیدگاه بزرگانی چون شیخ مفید و شیخ طوسی در الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان(ع) به حرم الهی در تغلیظ دیه، بیشتر قابل دفاع است؛ چراکه این بزرگان دلیل این الحاق را حرمت واحترام اماکن یادشده، ذکر و در فرض هتک حرمت، الحاق را مسلّم فرض کرده‌اند.

۴. الحاق مشاهد مشرّفه به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم

در شریعت اسلامی، اجرای حدود یکی از ضروری‌ترین مسائل اجتماعی و از تکالیف مهم حکومت و متضمن بقای جامعهٔ اسلامی است؛ ازاین‌رو اگر حدی بر کسی ثابت شود، تأخیر آن مطابق قاعدهٔ اولیه جایز نیست و هر نوع تأخیر در اجرای آن بدون دلیل، به‌مثابهٔ تعطیل قانون الهی و سرپیچی در برابر آن محسوب می‌شود. حضرت علی(ع) فرمودند: «در اجرای حدود حتی برای یک لحظه هم جای تأخیر نیست» (حرعاملی، ۴۷/۲۸).[۱] علی‌رغم توجه و تأکید شارع مقدس بر وجوب اجرای حدود الهی، حاکم اسلامی می‌تواند در شرایط خاصی از قبیل جلوگیری از هتک حرمت اماکن مقدس، اجرای حد یا قصاص یا تعزیر را به تأخیر اندازد.

فقیهان امامی در خصوص الحاق مشاهد مشرّفه به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم، دیدگاه‌های مختلفی را بیان کرده‌اند: عده‌ای قائل به الحاق شده‌اند. این گروه به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته‌ای حرم مدینهٔ پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) را به حرم مکه ملحق و دستهٔ دیگر تنها حرم مدینهٔ پیامبر را به حرم مکه ملحق کرده‌اند. دستهٔ دوم در مسئلهٔ الحاق دچار تردید شده‌اند و دستهٔ سوم الحاق را نفی کرده‌اند.

ازجمله موافقان الحاق، شیخ مفید است. وی قائل به الحاق مشاهد پیامبر(ص) و امامان(ع) به حرم الهی شده است. در المقنعه آمده است: «هر کس مرتکب جنایتی شود که موجب مجازات است، سپس به مشاهد امامان(ع) از خاندان محمد(ص) پناه ببرد، با او همان رفتاری خواهد شد که نسبت به مجرم پناهنده به حرم شده است. اما اگر کسی در آن مکان مرتکب جنایتی شود، در همان‌جا حد بر او جاری می‌شود؛ زیرا حرمت آنجا را شکسته و حق آن را نشناخته است» (مفید، ۷۴۴)[۲] شیخ طوسی نیز قائل به

۱. «عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَيْسَ فِي الْحُدُودِ نَظَرُ سَاعَةٍ.»

۲. «و من جنى ما يستحق عليه عقابا فلجأ إلى مشهد من مشاهد أئمة الهدى من آل محمد(ع) صنع به كما يصنع بمن يلجأ إلى الحرم مستعصما من إقامة الحدود عليه فإن كانت الجناية منه فى المشهد أقيم عليه حد الله عز و جل فيه لأنه انتهک حرمته و لم يعرف حقها»

الحاق حرم پیامبر یا حرم یکی از امامان(ع) به حرم الهی شده و گفته است: «حکم در مشـاهد امامـان(ع) نیز مثل حکم حرم مکه است» (طوسی، النهایـه فـی مجـرد الفقـه والفتـاوی، ۷۵۶). وی در جـای دیگـر می‌گوید: «بر کسی که به حرم الهی و حرم پیامبر و یا حرم یکی از امامان(ع) پناه بـرده باشـد، حـد جـاری نمی‌شود؛ بلکه در غذا و آب بر او سخت‌گیری می‌کنند و از خریدوفروش و مشورت با او خودداری می‌کنند تا از حرم بیرون بیاید، سپس حد بر او جاری می‌شود. پس اگر در حرم کاری کند که موجب حد باشد، حد بر او جاری می‌شود، هر نوع حدّی که باشد» (همو، ۷۰۲).

شیخ مفید و شیخ طوسی ضمن تأیید الحاق و تساوی آن دو، بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که هیچ نوع حدی از قبیل رجم، تازیانه، قطع دست و قتل، بر مجرم پناهنده به مشاهد مشرّفه جاری نخواهـد شـد و بـه تأخیر می‌افتد.

فاضل مقداد، نظر شیخ مفید و شیخ طوسی را قریب به صحت دانسته است (فاضـل مقـداد، ۴۶۰/۴). ابن‌ادریس نیز کلام شیخ مفید و شیخ طوسی را تأیید کـرده اسـت (ابن‌ادریـس، ۳۶۴/۳-۴۵۷). علامـه در تحریر، مسئلهٔ الحاق را تأیید کرده و حکم حرم الهی را به حرم پیامبر(ص) و حـرم امامـان(ع) تسـری داده است (۳۲۴/۵)،[1] اما در قواعد این مسئله را با «قیل» تعبیر کرده است (۶۶۸/۳). محقق حلی نیز در نکت النهایه مسئلهٔ الحاق حرم امامان(ع) به حرم الهی را نیکو شمرده است (۴۰۵/۳).

صاحب‌ریاض می‌گوید: «بی‌شک آنچه بیـان شـد مطـابق بـا احتیـاط اسـت» (طباطبـایی، ۵۲۸/۲). مجلسی مسئلهٔ الحاق را به بعضی از علما نسبت داده و می‌نویسد: «بعضی از علما بـدون اینکـه اسـتنادی بیاورند، در این حکم (حرمت اجرای حد در حرم) حرم حضرت رسـول(ص) و مشـاهد مقدسـهٔ امامـان معصوم(ع) را به حرم مکه ملحق ساخته‌اند» (مجلسی، ۱۷). در جامع المسائل آمده است: «به کسـی کـه پناه به حرم در مکه برده و همچنین در حرم نبی(ص) و امامان معصوم(ع)، حد جاری نمی‌شود (مگر آنکه جنایت در حرم بوده باشد) چه جلد باشد و چه رجم، بلکه تضییق در مطعم و مشرب او می‌شود تـا خـارج شود و بر او اقامهٔ حد شود» (بهجت، ۲۸۵/۵). وی در جای دیگر، فتـوای خـود را در مسـئلهٔ الحـاق حـرم رسول خدا(ص) و امامان(ع) به حـرم مکـه اعـلام کـرده و گفتـه اسـت: «الحـاق مشـاهد مشـرّفهٔ نبـی و امامان(ع) یعنی بلادی که قبر مقدس در آن‌ها است، بلکه مطلق مساجد خـالی از وجـه نیسـت» (همـو، ۴۸۰/۵). به نظر مکارم شیرازی در انوار الفقاهه، مراد از «حرم» همان حـرم مکـه اسـت امـا دلیـل احتـرام علاوه بر حرم، شامل حرم رسول خدا(ص) و امامان(ع) نیز می‌شود؛ چون اجرای حـد علیـه مجرمـان در

---

۱. «لا یحدّ من التجأ إلی حرم اللّه، أو حرم رسوله، أو أحد الأئمّة علیهم السّلام بل یضیّق علیه فی المطعم و المشرب لیخرج و یستوفی منه الحدّ»

حرم آنان، با احترام آنان منافات دارد (۳۵۴). اما ابن‌حمزه در الوسیله تنها به الحاق حرم پیامبر(ص) بسنده نموده و هیچ اشاره‌ای به حکم مشاهد امامان(ع) نکرده است (طوسی، ۴۱۲). صاحب‌شرایع، مسئلهٔ الحاق را با تردید بیان کرده و نظر قطعی خود را بیان نکرده است (محقق حلی، ۲۲۹/۴).[1] صیمُری می‌گوید: «دلیل تردید ایشان این است که جواز قصاص در مشهد امام محتمل است؛ زیرا در جایی که به حرم پناهنده می‌شود، به‌دلیل وجود اجماع اصلِ عدم وجوب تأخیر حق، خارج می‌شود و بر اصل جواز خود باقی می‌ماند؛ براین‌اساس قول اول (عدم تأخیر قصاص) مورد اعتماد است» (۴۲۱/۴-۴۲۲). در این مسئله سبحانی نیز توقف را اولی دانسته است (۸۱/۱). اما گروهی از فقیهان الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان(ع) به حرم الهی را نپذیرفته‌اند و مراد از حرم را همان حرم معهود و متعارف، یعنی حرم کعبهٔ (مکه) شریف دانسته و استنادات معتقدان به الحاق را انکار یا تضعیف کرده‌اند. صاحب‌جواهر می‌نویسد: «هیچ دلیلی مبنی بر اثبات الحاق آن دو به حرم الهی وجود ندارد، بلکه مراد از حرم، همان حرم معهود و متعارف یعنی حرم کعبهٔ (مکه) شریف است» (۳۴۵/۴۱). در روایت ابوحمزه از امام صادق(ع) نیز همین مقصود ظاهر است. ابوحمزه می‌گوید: «از حضرت صادق(ع) دربارهٔ این قول خداوند متعال (مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً) پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمودند: اگر سارقی در غیر مکه سرقتی کند یا جنایتی را مرتکب شود، سپس به مکه فرار کند تا وقتی که در حرم است، دستگیر نمی‌شود مگر اینکه از آن خارج شود» (کلینی، ۲۲۷/۴). [2] در این حدیث به ذکر حرم اکتفا شده و هیچ اشاره‌ای به حرم پیامبر(ص) و مشاهد مشرّفه(ع) نشده است. شهید ثانی در شرح لمعه، مستند الحاق مسجد پیامبر(ص) و مشاهد مشرّفه(ع) به حرم الهی را ضعیف دانسته است (۲۰۴/۱). وی در مسالک می‌گوید: «در این خصوص، منبع صالحی در دست نیست» (۳۸۲/۱۴). محقق اردبیلی می‌نویسد: «حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان(ع) با حرم الهی مقایسه نمی‌شود؛ چراکه مقایسه باطل است» (مقدس اردبیلی، ۲۲۳/۱۴).

خویی بعد از رد الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان(ع) به حرم الهی، می‌نویسد: «هرچند شرافت و حرمت مشاهد مشرّفه بیشتر از حرم الهی باشد، اما این مسئله موجب ثبوت احکام حرم برای آن اماکن نمی‌شود. بدیهی است ثبوت حکم تابع دلیل است و آن دلیل، اختصاص به حرم الهی دارد؛ لذا اثباتش برای مشاهد مشرّفه(ع) به‌خاطر فقدان دلیل ممکن نیست و فرض این است که ما نمی‌دانیم ملاک ثبوت حکم، تنها حرمت و شرافت حرم بوده است» (۴۲). این گروه از فقیهان به‌خاطر نبود دلیل، به همان حرم الهی که قدر متیقن است بسنده کرده و تأخیر اجرای حکمِ مجرم پناهنده به مشاهد مشرّفه را

---

۱. «لوجنی فی الحرم اقتص منه لانتهاکه الحرمهٔ و هل یلزم مثل ذلک فی مشاهد الأئمهٔ(ع) قال به فی النهایهٔ»

۲. (علیّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(ع) قَالَ:« سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً؟ قَالَ إِنْ سَرَقَ سَارِقٌ بِغَیْرِ مَکَّةَ أَوْ جَنَی جِنَایَةً عَلَی نَفْسِهِ فَفَرَّ إِلَی مَکَّةَ لَمْ یُؤْخَذْ مَادَامَ فِی الْحَرَمِ حَتَّی یَخْرُجَ مِنْهُ...»)

نپذیرفته‌اند. از نظر نگارنده، دلایلی وجود دارد که دلالت بر الحاق مشاهد مشرّفه به حـرم الهـی در تـأخیر مجازات دارد.: ۱. اجماع، فاضل مقداد ازجمله کسانی است که مسئلهٔ الحاق را اجمـاعی می‌دانـد (فاضـل مقداد، ۴۶۰/۴).

۲. سنت، هشام‌بن‌حکم از امام صادق(ع) روایت کرد که حضرت فرمودند: «کسـی کـه در غیـر حـرم مرتکب جنایتی شود و سپس به حرم پناهنده شود، علیه او اقامهٔ حد نمی‌شود» (طوسی، تهـذیب الاحکـام، ۲۱۶/۱۰).[۱] در این روایت لفظ حرم به‌طور عام، علاوه بر حرم الهـی شـامل مشـاهد مشـرّفه نیـز می‌شـود؛ چنان‌که در النهایة (طوسی، ۷۰۲) و السرائر (ابن‌ادریس، ۴۵۷/۳) نیـز همـین مقصـود تأییـد شـده اسـت. علاوه بر آن روایاتی وجود دارد که در آن از مدینه و مشاهد امامـان نیـز، اطـلاق حـرم شـده اسـت. پیـامبر خدا(ص) فرمودند : «مدینه حرم است، از کوه عیـر تـا کـوه ثـور» (ابن‌حیـون، ۲۹۵/۱)[۲] امـام صـادق(ع) فرمودنـد: «خداونـد حرمـی دارد کـه مکـه اسـت و پیـامبر(ص) هـم حرمـی دارد و آن مدینـه اسـت و امیرالمؤمنین(ع) حرمی دارد که کوفه است و ما [اهل‌البیت] حرمی داریم کـه شـهر قـم اسـت. (مجلسـی، بحارالانوار، ٢١٦/٦٠)[۳] روایات دیگری نیز به همین مضمون در دیگر کتب روایی بیـان شـده اسـت (ر.ک: کلینی، ۵۶۴/۴؛ حرعاملی، ۱۴/۵۱۰-۵۱۳).

فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع گفته است: «در روایاتی کـه اسـم حـرم بـر آن امـاکن اطـلاق شـده، مناسب بزرگداشت آن مکان‌ها است» (۱ /۳۹۳). صاحب ارشاد القلـوب دربـارهٔ فضـیلت مشـهد شـریف منطقهٔ کوفه و نجف می‌گوید: «از ویژگی‌های تربت کوفه و نجف این است کـه عـذاب برداشـته می‌شـود و برای کسی که در آن سرزمین دفن شود، محاسبهٔ نکیر و منکر نیست». وی در این خصوص حدیثی از امـام صادق(ع) نقل می‌کند، حضرت فرمودند: «کوفه و نجف، قطعه‌ای از کوهی است که خداوند بر فراز آن بـا موسی صحبت کرد و آن را مقدس قرار داد و حضرت ابراهیم(ع) را دوست خود و حضـرت محمـد(ص) را حبیب خود برگزید و آنجا را مسکن پیامبران قرار داد» (دیلمی، ٤٣٩/٢).[٤] جمیـل‌بن‌دراج می‌گویـد: «امـام صادق(ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: 'میان منبرم و خانه‌هایم باغی از باغ‌هـای بهشـت و منبرم بر دری از درهای بهشت است و نماز در مسجدم با هزار نماز در سایر مساجد بـه جـز مسـجدالحرام برابری می‌کند. عرض کردم: خانه‌های پیامبر(ص) و خانهٔ علی(ع) ازجملهٔ آن مساجد است؟ فرمودند: بله

---

۱. «ابْنُ أَبِی عُمَیْر عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(ع) فِی الرَّجُلِ یَجْنِی فِی غَیْرِ الْحَرَمِ ثُمَّ یَلْجَأُ إِلَی الْحَرَمِ قَالَ لَا یُقَامُ عَلَیْهِ الْحَدُّ... »
۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) الْمَدِینَةُ حَرَمٌ مَا بَیْنَ عَیْرٍ إِلَی ثَوْر...»
۳. «اِنَّ لِلّهِ حَرَماً وَ هُوَ مَکَّةَ، وَاِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَماً وَ هُوَ الْمَدینَةُ، وَ اِنَّ لاِمیرِالْمُؤْمِنینَ حَرَماً وَ هُوَ الْکُوفَةُ، وَ اِنَّ لَنا حَرَماً وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمْ... »
٤. «روی عن أبی عبد الله علیه السلام انّه قال :الغریّ قطعة من الجبل الذی کلّم الله علیه موسی تکلیماً، و قدّس علیه تقدسیاً، و اتّخذ علیه ابراهیم خلیلا، و محمداً صلی الله علیه وآله حبیباً، و جعله للنبیّین مسکناً) »

و بافضیلت‌تر است[۱]» (کلینی، ۵۵۶/۴). به نظر می‌رسد دیدگاه بزرگانی چون شیخ مفید و شیخ طوسی در الحاق حرم پیامبر(ص) و مشاهد امامان معصوم(ع) به حرم الهی در تأخیر اجرای حکم بیشتر قابل دفاع است، زیرا وجوب حفظ حرمت واحترام آن اماکن به‌دلیل روایاتی که نقل شد، انکارشدنی نیست و یکی از آثار احترام این است که مجرمان و جانیانی که به آنجا پناه می‌برند، از هر آسیبی مصون باشند. علاوه بر آن، اصل احتیاط[۲] واحادیث مربوط به درء الحد[۳] نیز، این دیدگاه را تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در بحث الحاق و عدم الحاق مشاهد مشرّفه به حرم، ابتدا باید مقصود از حرم روشن شود. اگر بگوییم منظور از حرم همان مسجدالحرام است، در این صورت الحاق مشاهد مشرّفه به حرم مشکل می‌شود؛ چراکه قداست و ارزش مسجدالحرام در سطح بالاتری از حرم پیامبر(ص)، مسجد کوفه، حرم حضرت علی(ع)، حرم امام حسین(ع) و سایر مشاهد مشرّفه قرار دارد. اما اگر بگوییم منظور از حرم علاوه بر مسجدالحرام، شهر مکه و بخشی از اطراف آن است، در این صورت می‌توان مشاهد مشرّفه را به حرم ملحق کرد؛ زیرا باتوجه‌به روایات متعددی که قبلاً بیان شد، قداست و ارزشی که حرم پیامبر(ص)، حرم امام حسین(ع) یا امام علی(ع) و سایر مشاهد مشرّفه دارد، کمتر از قداست حرم یعنی شهر مکه و بخشی از اطراف آن نیست، چنان‌که مشهور فقیهان بیان کرده‌اند. نگارنده نیز با قبول قول مشهور بر این باور است که مشاهد مشرّفه در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم، تأثیرگذار هستند؛ چون غالب فقیهان دلیل آن را احترام اماکن یادشده، ذکر کرده‌اند و حفظ حرمت و احترام آن اماکن به‌دلیل روایات و سایر دلایلی که نقل شد، واجب و غیرقابل انکار است و در فرض هتک حرمت، الحاق را مسلم فرض کرده‌اند. علاوه بر آن، در موضوع تأخیر، اصل احتیاط و احادیث درء الحد نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند.

---

۱. «عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(ع) یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) مَا بَیْنَ مِنْبَرِی وَ بُیُوتِی رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْبَرِی عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ وَ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِیمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ قَالَ جَمِیلٌ قُلْتُ لَهُ بُیُوتُ النَّبِیِّ ص وَ بَیْتُ عَلِیٍّ مِنْهَا قَالَ نَعَمْ وَ أَفْضَلُ.»

۲. هر مکلفی مطابق اصل احتیاط، لازم است در برخورد با مسائل مشتبه احتیاط نماید و مرتکب شبهات نشود.

۳. الْحُدُودَ تُدْرَأُ بِالشُّبُهَاتِ.

منابع

قرآن کریم، ترجمهٔ ناصر مکارم شیرازی.

آل عصفور، حسین‌بن‌محمد، ***سداد العباد و رشاد العباد***، قم، کتاب‌فروشی محلاتی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

ابن‌اثیر، مبارک‌بن‌محمد، ***النهایة في غریب الحدیث و الأثر***، قم، مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، بی‌تا.

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، ***السرائرالحاوی لتحریرالفتاوی*** ،قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن‌براج، عبدالعزیزبن‌نحریر، ***المهذب***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

ابن‌حمزه، محمدبن‌علی، ***الوسیلة إلی نیل الفضیلة***، قم، انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی(ره)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد، ***دعائم الإسلام***، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت(ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.

ابن‌زهره، حمزةبن‌علی، ***غنیة النزوع إلی علمي الأصول و الفروع***، قم، مؤسسهٔ امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

ابن‌سعید، یحیی‌بن‌احمد، ***الجامع للشرائع***، قم، مؤسسة سید الشهداء العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

ابن‌فارس، احمدبن‌فارس، ***معجم مقائیس اللغة***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

ابن‌فهد حلی، احمدبن‌محمد، ***المقتصر من شرح المختصر***، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

ابوالصلاح حلبی، تقی‌بن‌نجم، ***الکافي في الفقه***، اصفهان، کتابخانهٔ عمومی امام امیرالمؤمنین(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

بهجت، محمدتقی، ***جامع المسائل***، قم، دفتر معظم‌له، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ***ترمینولوژی حقوق***، تهران، کتابخانهٔ گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴ق.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، ***وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه***، قم، موسسهٔ آل‌البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

حسینی شیرازی، سید صادق، ***التعلیقات علی شرائع الإسلام***، قم، انتشارات استقلال، چاپ ششم، ۱۴۲۵ق.

حکیم، محمدسعید، ***منهاج الصالحین (المعاملات)***، قم، دار الهلال، چاپ اول، ١٤٣٣ق.

________، ***مسائل معاصرة في فقه القضاء***، نجف اشرف، دار الهلال، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

حمیری، نشوان‌بن‌سعید، ***شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم***، بیروت، دار الفکر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

خمینی، روح‌الله، ***تحریر الوسیلة***، قم، منشورات المکتبة الاعتماد، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.

خوئی، ابوالقاسم، ***مباني تکملة المنهاج***، قم، مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

ديلمي، حسن‌بن‌محمد، ***إرشاد القلوب***، قم، الشريف الرضي، چاپ اول، ۱۳۷۱ق.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، بیروت، دار الشامیة، چاپ اول، ۵۰۲ ق.

سبحاني، جعفر، ***أحكام الديات في الشريعة الإسلامية الغرّاء***، قم، مؤسسة الإمام الصادق(ع)، ۱۳۹۲ق.

سبزواری، عبدالاعلی، ***مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام***، قم، مؤسسه المنار دفتر حضرت آیةالله، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.

سلاّر دیلمی، حمزةبن‌عبدالعزیز، ***المراسم العلوية و الأحكام النبوية في الفقه الإمامي***، قم، منشورات الحرمين، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

شرتونی، سعید، ***اقرب الموارد فی فصح العربية والشوارد***، تهران، منظمة الاوقاف والشوون الخيرية، دار الاسوة للطباعة و النشر، ١٤١٦.

شهید اول، محمدبن‌مکی، ***اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية***، بیروت، دار التراث الدار الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

______________، ***غاية المراد في شرح نكت الإرشاد***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، ***مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام***، قم، موسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

______________، ***الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*** (المحشّى-سلطان العلماء)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

______________، ***روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان***، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، ***جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

صیمری، مفلح‌بن‌حسن، ***غاية المرام في شرح شرائع الإسلام***، بیروت، دار الهادي، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

طباطبایی، علی‌بن‌محمد، ***رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل (ط-القديمة)***، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، ***النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى***، بیروت، دار الکتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.

______________، ***الخلاف***، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

______________، ***المبسوط فی فقه الامامیه***، تهران، المکتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

______________، ***تهذيب الأحكام***، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، ***إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان***، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیۀ قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

________، ***تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط-الحدیثة)*** قم، مؤسسۀ امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

________، ***تذکرة الفقهاء(ط-الحدیثة)***، قم، مؤسسۀ آل‌البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

________، ***قواعد الأحکام في معرفة الحلال و الحرام***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

________، ***مختلف الشیعة في أحکام الشریعة***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

فاضل لنکرانی، محمد، ***تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسیلة- الحدود***، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

فاضل مقداد، مقدادبن‌عبدالله، ***التنقیح الرائع لمختصر الشرائع***، قم، انتشارات کتابخانۀ آیةالله مرعشی نجفی(ره)، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

فاضل هندی، محمدبن‌حسن، ***کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، ***کتاب العین***، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

فقعانی، علی‌بن‌علی، ***الدر المنضود في معرفة صیغ النیات و الإیقاعات و العقود-رسالة في العقود و الإیقاعات***، قم، مکتبة إمام العصر(عج) العلمیة ، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی، ***مفاتیح الشرایع***، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، چاپ اول، بی‌تا.

قطب راوندی، سعیدبن‌هبةاللّه، ***فقه القرآن***، قم، انتشارات کتابخانۀ آیةالله مرعشی نجفی(ره)، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، ***الکافي*** (ط-الإسلامیة)، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام***، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

________، حدود و قصاص و دیات، تهران، مؤسسۀ نشر آثاراسلامی، چاپ اول، بی‌تا.

محقق حلی، جعفربن‌حسن، ***شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام***، قم، مؤسسۀ اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.

________، ***النهایة و نکتها***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

________، ***المختصر النافع فی فقه الامامیه***، قم، موسسة المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.

محقق سبزواری، محمدباقربن‌محمدمؤمن، ***ذخیرة المعاد في شرح الإرشاد***، قم، مؤسسۀ آل‌البیت(ع)، چاپ اول،

۱۲۴۷ق.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، ***القصاص علی ضوء القرآن و السنة***، قم، انتشـارات کتابخانـه آیةاللـه مرعشـی نجفی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

مشکینی، علی، ***مصطلحات الفقه***، قم، مؤسسهٔ علمی‌فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ق.

مفید، محمدبن‌محمد، ***المقنعه***، قم، کنگره جهانی هزارهٔ شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

مقدس اردبیلي، احمدبن‌محمد، ***مجمع الفائدة و البرهان***، قم، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ١٤١١ق.

مکارم شیرازی، ناصر، ***انوار الفقاهه، (کتاب الحدود والتعزیرات***)، قم، مدرسه الامام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، چـاپ اول، ۱۳۷۷.

نوروزی فیروز، رحمت‌الله، حقوق جزای عمومی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.